

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و ششم

تابستان ۱۴۰۰

نامه‌های رسول خدا ﷺ به ملوک و انگاره‌های مونثگومری وات در این باره

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۸/۶

۱ هادی مهدوی چرمی

۲ علیرضا روحی

۳ سیدحسین مجتبوی

رسول خدا ﷺ در راستای ابلاغ جهانی رسالت خویش، نامه‌هایی را برای دعوت پادشاهان سرزمین‌های مقتدر آن عصر ارسال کردند. این نامه‌ها زمانی ارسال گردید که پیامبر ﷺ هنوز بر جزیره‌العرب تسلط پیدا نکرده بود. ویلیام مونثگومری وات، اسلام شناس مشهور قرن بیستم میلادی با تأمل در این رویداد، ضمن پذیرش اصل این واقعه تاریخی، معتقد است محتوای این نامه‌ها و جریان اعزام‌ها با حکیم بودن حضرت محمد ﷺ سازگار نیست و مورد تحریف مورخان مسلمان قرار گرفته است. با توجه به شهرت وات به عنوان یک سیره‌نگار برجسته در غرب و

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران: (h52ma@yahoo.com).

۲. دانشیار(عضومدعو) گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول): (dr.rohy@gmail.com).

۳. استادیار(عضومدعو) گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران: (drmojtabavi@yahoo.com).

تحقیق و تحلیل علمی وی از رویدادهای صدر اسلام و سیره نبوی، در این پژوهش سعی بر این است که با رویکردی وصفی - تحلیلی، با واکاوی آرای وات درباره این نامه‌ها، دقت نظر و یا خطاهای احتمالی وی در این زمینه، سنجیده شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وات با دیدگاهی علمی و نگاهی شکاک و هوشمند با هدف ایجاد تشکیک در منابع تاریخ اسلام و اثبات محلی و عربی بودن رسالت خاتم النبیین ﷺ به زوایای مبهم این واقعه پرداخته است، اما در نقد و بررسی خود نتوانسته است، مستندات لازم را بیابد و به ناچار در مواردی بر اساس افکار خود و آرای مستشرقان پیش از خود به تحلیل این روایت تاریخی پرداخته است.

کلیدواژگان: رسول خدا ﷺ، دعوت جهانی اسلامی، گسترش اسلام، استشراق، ویلیام مونتگومری وات.

۱. مقدمه

اسناد و نامه‌ها از مهم‌ترین منابع شناخت حقایق تاریخی هر دوره هستند. نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ از دیرباز، مورد توجه مورخان بوده است. اهمیت این نامه‌ها در این است که برخی از خواسته‌ها و سنت‌های رسول خدا ﷺ که بهترین راهنما برای مسلمانان پس از قرآن است در آن‌ها مطرح شده است. نامه‌ها و نوشته‌های رسول خدا ﷺ از نظر مخاطب و موضوع به چند دسته تقسیم می‌شوند.

موضوع بعضی نامه‌های ایشان، توصیه به افراد مختلف است. دسته دیگر نامه‌ها به منظور تأمین امنیت جانی و مالی افراد نوشته شده است و یا مربوط به استفاده از زمین‌هایی است که پیامبر ﷺ آن‌ها را به بعضی از انصار و مهاجران دادند. گروه دیگر که موضوع این پژوهش است، نامه‌هایی است که خطاب به ملوک، شاهزادگان، حاکمان مناطق و سران قبایلی بودند که مخاطبان دعوت به توحید و اسلام شدند.

مورخان مسلمان روایت می‌کنند که آن حضرت در راستای رسالت جهانی خویش، این گروه از نامه‌ها را در سال ششم یا هفتم هجری به پادشاهان روم، ایران، حبشه، مصر و دیگر سران قدرت‌مند آن روزگار نوشتند و آن‌ها را به دین اسلام فراخواندند. از سوی دیگر، خاورشناسان بدون در نظر گرفتن بعد وحیانی و الهی رسالت حضرت محمد ﷺ سعی نموده‌اند، تنها با نگاهی علمی و رویکردی مادی‌گرایانه در پژوهش‌های خود به بررسی و علت‌یابی رویدادهای تاریخی صدر اسلام و سیره نبوی بپردازند که روایت نامه‌های دعوت پیامبر خدا ﷺ از آن جمله است.

یکی از اسلام‌پژوهان غربی، ویلیام مونتگومری وات (د. ۲۰۰۶م.)^۱، کشیشی اسکاتلندی است. وات فرزند کشیشی پروتستان بود و در سال ۱۹۳۷م. از طریق یک دانشجوی مسلمان پاکستانی که مستأجرش بود با اسلام آشنا شد. این آشنایی زمینه‌ساز پدید آمدن بسیاری از آثار او گردید. بیش از سی مدخل *دائرة المعارف اسلامی*^۲ لیدن به دست وی نوشته شده است. کتاب‌های مهم وات درباره سیره نبوی کتاب‌های محمد در مکه^۳ در سال ۱۹۵۳م. و محمد در مدینه^۴ در سال ۱۹۵۶م. است که خلاصه آن دو در کتاب محمد پیامبر و سیاست‌مدار^۵ در سال ۱۹۶۱م. منتشر شد.

در تحقیقات معاصر، کمتر پژوهشی اسلامی را می‌توان یافت که گریزی به آثار وات نداشته باشد و می‌توان آثار فوق را مهم‌ترین سیره‌نگاری‌ها در قرن بیستم به زبان انگلیسی درباره حضرت محمد ﷺ در جهان غرب دانست. وات با نگاهی موشکافانه و دقیق به واکاوی ماجرای اعزام پیک‌ها و ارسال نامه از سوی رسول خدا ﷺ نزد ملوک

1. William Montgomery Watt.
2. Encyclopedia of Islam.
3. Muhammad at Mecca.
4. Muhammad at Medina.
5. Muhammad, Prophet and Statesman.

می‌پردازد و معتقد است، با وجود این که درون مایه این روایات صحیح بوده است اما محتوا، متن، مقصد و مخاطب نامه‌ها که سال‌ها بعد از وقوع در منابع تاریخی مسلمانان ثبت شدند، دچار تغییر و تحریف گردیده است.

کهن‌ترین منابع تاریخ اسلام در مورد نامه‌های پیامبر ﷺ عبارت است از: *السيرة النبوية*^۱ که در حقیقت سیره ابن اسحاق (د. ۵۱۵۰ ق.) است که ابن هشام (د. ۵۲۱۳ ق.) آن را ویرایش و تلخیص نموده است، *تاریخ یعقوبی*^۲ (د. ۲۸۴ ق.)، *تاریخ طبری*^۳ (د. ۵۳۱۰ ق.) و *طبقات ابن سعد*^۴ (د. ۲۳۰ ق.) که در این میان ابن سعد تلاش کرده است بیشترین تعداد نامه‌ها را جمع کند.

طبقات منبع اصلی مورد استفاده وات درباره نامه‌های دعوت رسول خدا ﷺ است. در زمینه نامه‌های رسول خدا ﷺ در دهه‌های اخیر نیز تلاش‌های ارزش‌مندی در جهان اسلام صورت گرفته است که بیشتر تلاش‌ها در جهت گردآوری نامه‌ها بوده است. دو اثری که از نظر کلیت، وسعت اطلاع و زیادی تتبع اهمیت دارند، عبارت است از:

۱. *الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة*، نوشته پرفسور محمد حمیدالله حیدرآبادی (م. ۲۰۰۲)، استاد دانشگاه پاریس که در اصل رساله دکتری او بوده است. این کتاب که تاکنون بارها تجدید چاپ شده است در دو بخش به نگارش درآمده است. بخش نخست، شامل اسناد دوران پیامبر ﷺ است و بخش دوم، اسناد دوران خلفای راشدین را در بر می‌گیرد. نکته جالب این که حمیدالله در این مدت با وجود دشواری زیاد این کار به دنبال دستیابی به اصل نامه‌ها به منظور اثبات صحت اصالت آن‌ها بوده است. حاصل

۱. ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۳، ص ۵۶۲-۵۶۵.

۲. یعقوبی، *تاریخ*، ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۴.

۳. طبری، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۳۲.

۴. ابن سعد، *طبقات*، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۷۸.

جست‌وجوی او این است که بیش از دو یا سه نسخه اصل از این نوشته‌ها به زمان ما نرسیده است و نسخه‌های اصلی دیگر نامه‌ها از میان رفته‌اند. از این اثر تاکنون دو ترجمه به فارسی صورت گرفته است که یکی تحت عنوان *وثائق* به وسیله استاد محمود مهدوی دامغانی و دیگری با عنوان *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام* به وسیله دکتر سید محمد حسینی ترجمه شده است.

۲. *مکاتیب الرسول* نوشته عالم شیعی، مرحوم علی احمدی میانجی (د. ۱۳۷۹) در ۴ جلد به زبان عربی است. این تلاش در شرق به طور تقریبی هم‌زمان با نیم‌قرن مطالعات تاریخ اسلام وات در غرب بوده است و حاوی مکتوبات پیامبر ﷺ خطاب به پادشاهان، کارگزاران و نوشتارهایی در ارتباط با عهدنامه‌ها، قراردادهای و برخی موضوعات متفرقه دیگر است. نویسنده پس از نقل کامل هر نامه به تفصیل، مأخذ آن را بیان می‌کند، اما به جمع روایات بسنده نمی‌کند و تا حدی به نقد و بررسی اقوال می‌پردازد و آن‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

علاوه بر دو کتاب مذکور، مقاله *الدراسات المتعلقة برسائل النبي ﷺ الى ملوک عصره*^۱ از دکتر عزالدین ابراهیم، نیز به نقد و بررسی روایت نامه‌های پیامبر ﷺ به ملوک می‌پردازد. این مقاله تحت عنوان *پژوهشی در نامه‌های پیامبر ﷺ* به فارسی ترجمه شده است.^۲ با این وجود تا کنون پژوهش مستقلی درباره واکاوی اندیشه‌های مونتگومری وات در خصوص نامه‌های دعوت حضرت ختمی مرتبت ﷺ صورت نگرفته است.

۱. این مقاله در کتاب *صناعة المخطوط العربية الاسلامی من الترمیم الی التجلید*، صفحه ۴۰۳ - ۴۲۹ در کشور امارات به وسیله مرکز جمعه الماجد للثقافة والتراث در سال ۲۰۰۱ م. منتشر شده است.

۲. عزالدین ابراهیم، «پژوهشی در نامه‌های پیامبر ﷺ»، ترجمه حسین علینقیان، آینه پژوهش،

وات با شیوه‌ای علمی و با استفاده از آرای خاورشناسان پیش از خود، در کتاب محمد ﷺ در مدینه و محمد ﷺ پیامبر و سیاست‌مدار، ابهاماتی درباره روایت نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ از ملوک مطرح می‌کند و منابع تاریخ اسلام در این زمینه را به چالش می‌کشد. آشنایی با دیدگاه محققانی چون او که با آثار قلمی خود، معرفی کننده اسلام و پیامبر اعظم ﷺ به مغرب زمین هستند و یافتن خطاهای احتمالی آنان به منظور تبیین چهره روشن تری از اسلام، سیره و شخصیت خاتم النبیین ﷺ اهمیت فراوانی دارد، اما این مقوله تا حد زیادی مغفول مانده است.

این پژوهش پس از ارائه دیدگاه‌های وات در خصوص نامه‌های رسول خدا ﷺ به پادشاهان آن عصر به تحلیل و ارزیابی آنان می‌پردازد و تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که خطاها و شبهات احتمالی وات در خصوص روایت نامه‌های دعوت رسول خدا ﷺ و اهداف وی در پرداختن به این مطلب چه بوده است؟

۲. دیدگاه‌های وات درباره نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ

مبنای کار وات در زمینه نامه‌های رسول خدا ﷺ به پادشاهان، طبقات ابن سعد است. او روایت ابن سعد را چنین نقل می‌کند:

محمد ﷺ [] کمی پس از بازگشت از حدیبیه در می ۶۲۸م. / محرم سال ۷ق. شش سفیر را در یک روز همراه نامه به سوی حکام بلاد اطراف برای فراخواندن آنها به پذیرش اسلام فرستاد. سفرا عبارت بودند از: عمرو بن امیه ضمیری، دحیه بن خلیفه کلبی، عبدالله بن حذافه سهمی، حاطب بن ابی بلتعنه، شجاع بن وهب اسدی و سلیط بن عمرو عامری. آنها به ترتیب سوی نجاشی حبشه، حاکم بصری به عنوان نماینده امپراطوری بیزانس، امپراتوری پارس، مقوقس یا حاکم اسکندریه، پادشاه غسان به نام حارث بن ابی‌شمر و هودّه بن علی، رئیس

قبیله حنیفه در یمامه، فرستاده شدند.^۱

وات سپس براساس آرای مستشرقان پیش از خود؛ یعنی ولهاوزن (د. ۱۹۱۸م.)^۲، کایتانی (د. ۱۹۳۵م.)^۳ و بوهل (د. ۱۹۳۲م.)^۴ و با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و سیاسی پیامبر، این روایت را منطقی نمی‌داند و می‌نویسد:

این داستان نمی‌تواند به همین شکل پذیرفته شود. محمد ﷺ سیاست‌مداری حکیم و دوراندیش بود و او بعد از موفقیت نسبی که در حدیبیه به دست آورد، غیر عاقلانه رفتار نمی‌کرد. ضرر درخواست از این پادشاهان برای پذیرش اسلام در این دوره بیشتر از نفع آن بود.^۵

وات موشکافانه به جزئیات روایت ابن سعد می‌پردازد و تناقض در تاریخ اعزام پیک‌ها را برجسته می‌کند و می‌گوید:

بررسی دقیق نشان می‌دهد که اعزام بعضی از سفیران قبل از حدیبیه بوده است. مأموریت دحیه به بصری باید در تابستان سال ۶۲۷م. باشد؛ زیرا او در بازگشت به وسیله جُذام^۶ غارت شد و گروهی برای مجازات در حدود اکتبر ۶۲۷م. علیه آنان فرستاده شدند. همچنین، دو کنیزی که به وسیله سفیر اعزامی به سوی مقوقس آورده شدند، بعد از ژانویه سال ۶۲۷م. در مدینه بودند؛ زیرا

1. Watt, Muhammad at Medina, p 40, 113, 345.

2. Julius Wellhausen.

3. Leone Caetani.

4. Frants Buhl.

5. Watt, Ibid, p 345.

۶. جُذام، قبیله‌ای بزرگ از عرب قَحْطانی است که در سده‌های نخستین میلادی ساکن یمن بودند و پس از ویرانی سد مأرب در حدود ۴۵۰-۴۵۱ میلادی به شمال ناحیه تهامه و حوالی شام مهاجرت کردند (ر.ک: ابن حاکم، صفة جزيرة العرب، ص ۲۴۴).

محمد ﷺ در خاتمه ماجرای افک، یکی از آن‌ها را به حسان بن ثابت هدیه داد.^۱

وات در ادامه، مورخان مسلمان را به تلاش برای تشبیه حضرت محمد ﷺ به دیگر پیامبران به منظور جهانی نشان دادن رسالت آن حضر متهم می‌کند و می‌نویسد:

شاید انگیزه‌ای دینی برای تغییر این داستان‌ها برداشت شود. ابن‌اسحاق به این‌که محمد ﷺ خود را به عیسی عليه السلام در فرستادن حواریون و هدیه [دانستن] زبان به آنان در عید نزول روح‌القدس تشبیه کرده، اشاره می‌کند. به ظاهر هدف این بوده است که ادعا شود محمد ﷺ پیامبری برای همه امت‌ها است، نه فقط برای اعراب.^۲

وات محتوای نامه‌ها؛ یعنی دعوت از ملوک برای پذیرش اسلام را هم‌چون ادعای اسلام آوردن جبلة از ابداعات و تحریفات متأخرین می‌داند^۳ و معتقد است که واقعیت و موضوع اعزام‌ها چیز دیگری بوده است. او در این باره می‌نویسد:

نتیجه به دست آمده این نیست که روایت شش سفیر بی‌ارزش است. بلکه این روایت، جوهره‌ای از واقعیت را در بردارد که در جریان نقل روایت به دلیل علایق دینی دچار تحریف شده است. این واقعیت در مورد سفیر اعزامی به حبشه به وضوح برداشت می‌شود. او به احتمال به‌منظور تزویج أم‌حبیبه برای محمد ﷺ و شاید هم برای بازگشت جعفر بن ابیطالب و دیگر مکینانی که هنوز آن‌جا بودند، مأموریت داشت. در مورد دیگر سفیران، به طور تقریبی معلوم است که هدف سفارت آنان، انعقاد یک توافق دوستانه بین محمد ﷺ و حاکم مورد بحث بوده است. چنین توافقاتی در درجه اول سیاسی بوده است. اگرچه شاید موارد

1. Watt, Ibid.

2. Watt, Ibid, p 345.

3. Ibid, p 113.

دینی مانند آنچه که در نامه به اسقف ضَعَاظُر آمده است، باشد.^۱

وات مخاطبان این نامه‌ها را افرادی کم اهمیت و حاکمانی درجه دو معرفی می‌کند و درباره هویت بعضی از این ملوک ابراز تردید می‌کند و می‌گوید:

درباره شناسایی مقوقس و حارث بن ابی‌شمر دشواری وجود دارد، اما جای تعجب ندارد؛ زیرا این زمان مصادف با عقب‌نشینی پارسیان از مصر و قبل از به دست آوردن کنترل کامل دوباره بیزانس بوده است. هم‌چنین جای تردید است که سفیری به دربار پارس رفته باشد، ولی حقیقت این مطلب، توافق با حاکم پارس در یمن است.^۲

وات سپس به مقایسه گزارش‌های ابن‌هشام، طبری و ابن‌سعد درباره موضوع نامه‌های رسول خدا ﷺ می‌پردازد و می‌نویسد:

جالب است جزئیات همه منابع اولیه این اعزام‌ها را که ابن‌هشام، ابن‌سعد و طبری آورده‌اند، بررسی کنیم. این منابع، سؤالاتی راجع به دوایر مسئول تغییر گزارش‌های اصلی و ارتباط بین اصلاح روایت ابن‌اسحاق به ترتیب به وسیله ابن‌هشام و طبری به وجود می‌آورد. در این‌جا اشاره به جریان کلی «شکل‌دهی مغرضانه»^۳ [حوادث] کفایت می‌کند. ظاهراً ابن‌اسحاق فهرستی از سفیرانی که محمد ﷺ نزد شاهان (ملوک) عرب و غیرعرب برای فراخواندن آن‌ها به سوی خداوند در مرحله بین حدیبیه و وفاتش به نقاط مختلف فرستاد، داشته است. این فهرست شامل شش نامی است که در بالا بیان شد و هم‌چنین اسامی سه نفری که

1. Watt, Muhammad, Prophet and Statesman, p 346.

2. Ibid.

3. Tendentia shaping در بیان گرایش به تحریف عمدی در

رویدادهای تاریخی است.

به عمان، بحرین و یمن فرستاده شدند. ابن اسحاق هم‌چنین از همسان سازی [محمد] با عیسی عليه السلام آگاه بوده است، اما به نظر نمی‌رسد بر آن تأکید کرده باشد یا روایاتی منطبق با آن آورده باشد. واقدی یا ابن فهرست را به شش نفر تقلیل داده است یا فهرستی مستقل داشته است. سه نفر حذف شده - سفیران عمان، بحرین و یمن - نزد پادشاهان دون مرتبه عرب فرستاده شدند که تا بعد از حنین، معرفیتی نداشتند. به نظر می‌رسد ابن هشام روایت ابن اسحاق را به منظور اصلاح یک یا دو خطا و نشان دادن بیشتر تشابه با عیسی عليه السلام کوتاه کرده است. روایت فروه که ابتدا به وسیله ابن سعد (یا شاید واقدی) آمده است، احتمالاً به قصد جای‌گزینی آن با مأموریت سلیط نزد هوذة بوده است؛ زیرا هوذة در شرق - مرکزی عربستان حکومت می‌کرد (و به سختی حاکم قدرت‌مند خارجی بود) در حالی که فروه عامل امپراتوری بیزانس بود.^۱

وات بعد از بیان این موارد و بدون بیان منبع خاصی، درباره اندیشیدن حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم به جهانی شدن رسالت ایشان در این دوره از زمان می‌نویسد:

نظر برخی از منابع مسلمان، اگرچه جزو منابع اولیه نبوده است، مبنی بر این‌که او اسلام را به عنوان یک دین جهانی می‌پنداشت و امپراتوران روم، ایران و سلاطین کم‌اهمیت‌تر دیگری را به پذیرش آن دعوت کرد، نادرست است. در واقع، اسلام از آغاز مستعد جهانی شدن بود و غیر منتظره نبود که با گسترش حکومت اسلامی دینی جهانی شود، اما قابل باور نیست که سیاست‌مدار حکیمی چون محمد صلى الله عليه وآله وسلم چنین درخواست صریحی را در این دوره خاص از زندگی خویش مطرح کرده باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سخنان سفرای اعزامی نزد پادشاهان

1. Watt, Muhammad at Medina, p 345.

مختلف، مملو از تناقضات است.^۱

وات بر اساس آرای مستشرقان، روایت منابع اسلامی از این ماجرا را پذیرفتنی نمی‌داند و می‌نویسد:

مباحث انتقادی اندیش‌مندان اروپایی نشان داده است که با وجود این‌که جوهره‌ای از واقعیت در این داستان وجود دارد، اما نمی‌توان آن را به این شکل پذیرفت و قابل باور نیست که این پیام‌ها دعوت به اسلام و پذیرفتن محمد ﷺ به عنوان رهبر دینی باشد. ما نمی‌توانیم تصور کنیم که امپراطور روم یا نجاشی حبشه به چنین پیامی پاسخ دهند.^۲

وات معتقد به عدم برخورداری پیامبر ﷺ از اعتبار و قدرت کافی در این زمان برای دعوت ملوک قدرت‌مند است و با اشاره به نامه محمد ﷺ به رفاعه، هنگام آمدن وفد جذام^۳ برای هم‌پیمانی بدون تغییر مذهب می‌نویسد:

در آوریل ۶۲۸ م. / ۶ ق. محمد ﷺ به قدر کافی جایگاه قدرت‌مندی نداشت تا پذیرش اسلام یا عقب‌نشینی از قلمرو مسلمانان را مطالبه کند.^۴

وات بدون توجه به منابع تاریخی اسلامی و بر اساس تصورات ذهنی خود درباره محتوای نامه‌های رسول خدا ﷺ اظهار می‌کند:

اگر بپذیریم که سفرای نام‌برده، حامل پیغامی از محمد ﷺ به مقاصد مربوطه (ولو در تاریخ‌های متفاوت) بودند و به شایستگی استقبال شدند، غیرممکن نیست که محتوای نامه‌ها تا حدی در جریان نقل روایت‌ها عوض شده باشد. این امر

1. Watt, Ibid, p 41.

2. Ibid

۳. ابن سعد، طبقات، ج ۱، ص ۳۴۳.

4. Watt, Ibid, p 109.

شاید به این دلیل بوده است که حاملان نامه‌ها (که منبع احتمالی اطلاعات بودند) جزئیات درون آن‌ها را نمی‌دانستند یا به علت افزودن‌های بعدی بوده است که پیغام یک پیامبر بزرگ، کم اهمیت و بی‌ارزش به نظر نرسد. بر اساس این فرضیه می‌توانیم تصور کنیم در حالی که محمد ﷺ شاید [در این نامه‌ها] اشاراتی به عقاید دینی خویش کرده باشد، اما نکته اصلی مسائل سیاسی بوده است. شاید او یک معاهده بی‌طرفی را پیشنهاد کرده باشد. شاید او فقط خواهان بازداشتن مکیان از دریافت کمک خارجی و خنثی کردن تأثیر گزارش‌های مغرضانه‌ای بوده است که آنان درباره رابطه با او می‌دادند. در این مرحله، نامناسب‌ترین کار برای محمد ﷺ فراخواندن این ملوک قدرت‌مند به پذیرش اسلام بود، اما پس از محاصره مدینه او به قدر کافی اهمیت پیدا کرده بود تا تماس‌های دیپلماتیک اولیه با آنان برقرار کند و احتمال می‌رود این حقیقت موضوع است. این کار هم‌راستا با دیدگاه محمد ﷺ بود که اکنون به چیزی بیش از شکست قریش علاقه‌مند بود.^۱

وات در کتاب محمد ﷺ پیامبر و سیاست‌مدار هم بار دیگر با تکرار آرای خود، مدعی دست‌کاری و تحریف منابع تاریخ اسلام می‌شود. او تصورات خود از محتوای نامه‌ها را چنین برمی‌شمارد:

روش‌های انتقادی جدید نشان می‌دهد، این روایت تاریخی قابل اعتماد نیست و احتمال می‌رود مطابق اشتیاق مسلمانان بعدی که درصدد نشان دادن این نکته بودند که محمد ﷺ دین خود را جهانی می‌پنداشت (و شاید برای منطقی نشان دادن جنگ‌های خود علیه ایران و بیزانس بوده است که این جنگ‌ها پس از

1. Ibid, p 41.

دعوت آن‌ها به اسلام صورت گرفته است) حقیقت و رای این روایات، این است که محمد ﷺ رسولانی نزد حاکمان مذکور فرستاده است که از متن پیام ارسالی اطلاعی نداریم، اما احتمال می‌رود محمد ﷺ شرحی از آنچه را که در عربستان روی داده بود ارائه کرده است و پیش‌بینی درخواست کمک مکیان (از دولت‌های همسایه برای سرکوب پیامبر) و یا درخواست نوعی توافق سیاسی بوده است.^۱

۳. ابهامات و انگاره‌های وات

همان‌گونه که ملاحظه شد، وات در زمینه روایت نامه‌نگاری رسول خدا ﷺ با ملوک، ابهامات و شبهاتی مطرح می‌کند که عبارت است از:

۱. اعزام بعضی از پیک‌ها پیش از حدیبیه بوده است؛
۲. تغییر مذهب جبله به نظر او از ابداعات و تحریفات بعدی مورخان مسلمان است؛
۳. در منابع اسلامی موضوع مأموریت سفیران مانند هدف سفیر اعزامی به حبشه، تحریف شده است؛
۴. موضوع نامه‌ها به احتمال زیاد در درجه اول، سیاسی بوده است نه دینی. البته، احتمال دینی بودن را هم با استناد به نامه به اسقف ضغاطر رد نمی‌کند؛
۵. در شناسایی بعضی از حاکمان و ملوک مورد خطاب نامه‌ها، هم‌چون مقوقس و حارث بن ابی‌شمر از نظر تاریخی ابهام وجود دارد؛
۶. سخنان پیک‌های اعزامی مملو از تناقضات است؛
۷. حضرت محمد ﷺ هنگام ارسال نامه‌ها از اعتبار و اقتدار سیاسی و نظامی لازم برخوردار نبوده است؛

1. Watt, Muhammad, Prophet and Statesman, p 194.

۸. دعوت سران به اسلام در این دوره از زمان به دست پیامبر ﷺ حکیمانه نبوده است و ضرر آن، بیشتر از منفعت بوده است؛

۹. پاسخ و اعتنای امپراتوران ایران، روم و نجاشی به این نامه‌ها نامعقول است و

۱۰. شکل‌دهی مغرضانه فهرست اولیه سفرا و مأموریت آن‌ها به وسیله تاریخ‌نگاران مسلمان و تحریف نامه‌ها به دلیل اشتیاق مسلمانان به جهانی نشان دادن رسالت حضرت محمد ﷺ بوده است؛ زیرا پیامبر ﷺ فراتر از جزیره العرب نمی‌اندیشید و نبوت خود را مختص اعراب می‌دانست.

۴. نقد و بررسی منابع مورد استفاده وات

قبل از نقد و تحلیل ابهامات لازم است، مختصری به منابع مورد استناد مونتگومری وات پردازیم. منابع محدود اسلامی مورد استفاده وات در درجه اول، نسخه آلمانی طبقات ابن‌سعد است که با ویرایش و تحقیق ولهاوزن^۱ (د. ۱۹۱۸م.) همراه است. همچنین سیره ابن‌هشام، ویرایش و تصحیح وستنفلد^۲ (د. ۱۸۹۹م.) و تاریخ طبری، تصحیح دخویه هلندی^۳ (د. ۱۹۰۹م.) است. شایان توجه است که وات به زبان عربی مسلط بوده است، اما به جای مراجعه به منابع اصلی از نسخه‌هایی که به وسیله خاورشناسان غربی، ویرایش و ترجمه شده بود، استفاده می‌کند که نشان دهنده میزان اعتماد بالای او به آرای مستشرقان پیش از خود است. همچنین، او به شکل مستقیم از آرا و آثار خاورشناسانی مانند ولهاوزن (د. ۱۹۱۸م.)، کایتانی (د. ۱۹۳۵م.) و بوهل (د. ۱۹۳۲م.) استفاده می‌کند.

این از نقاط قوت پژوهش وات است که افکار و عقاید دیگر مستشرقان را آشکار می‌کند و موجبات آشنایی محققانی که دست‌رسی مستقیم به آثار و اندیشه‌های آنان را

1. Julius Wellhausen.
2. Ferdinand Wüstenfeld.
3. Michael Jan de Goeje.

ندارند فراهم می‌نماید، اما جای شگفتی است در حالی که وات به منابع اولیه اسلامی تشکیک وارد می‌کند و منابع متأخر را جهت‌دار و مغرضانه می‌داند، به آرای مستشرقانی که کشیشان و مسیحیان متعصبی بوده‌اند و مواضع کینه‌توزانه‌ای نسبت به اسلام و رسول خدا ﷺ داشته‌اند و قرن‌ها بعد، درباره حوادث صدر اسلام اظهار نظر کرده‌اند، استناد می‌کند. ولهاوزن آلمانی از مستشرقانی است که اسلام را دارای صبغه عربی و ساخته اعراب می‌داند و با نفی جهانی بودن دعوت اسلام می‌نویسد:

چون اولین کسانی که از محمد ﷺ پیروی کردند اقوام، دوستان، نزدیکان و بردگان او بودند و نیز به علت این که محمد ﷺ عرب بود، آن‌ها به سبب احساسات عشیره‌ای و قبیله‌ای طرفدار او بودند.^۱

وات اعتماد زیادی به تحقیقات لئون کایتانی ایتالیایی به ویژه کتاب *تاریخ اسلام*^۲ او داشته است. دکتر عبدالرحمن بدوی شیوه کایتانی در سیره نبوی را تشکیک افراطی در منابع تاریخ اسلام می‌داند. او با اهمال از عوامل دینی و با دیدی مادی در خصوص حوادث سیره در جست‌وجوی عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.^۳ این دو شیوه؛ یعنی تشکیک و مادی‌گرایی، الگوی وات در بررسی سیره نبوی بوده است. توماس آرنولد (د. ۱۹۳۰م)، کایتانی را مخالف اندیشه جهانی بودن اسلام می‌داند و معتقد است که او اسلام را فقط دین عرب می‌داند.^۵

۱. ولهاوزن، *تاریخ الدولة العربیة*، ص ۳، ۲۲.

2. *Annali dell Islam*.

۳. بدوی، *موسوعة المستشرقین*، ص ۴۹۴.

4. Thomas Walker Arnold.

۵. آرنولد، *الدعوة الی الاسلام*، ص ۴۹-۵۰.

فرانتس بوهل نیز به عنوان روحانی پروتستان، نگاهی انتقادی و نه چندان بی‌طرف نسبت به شخص حضرت محمد ﷺ داشته است.^۱ دکتر ابراهیم عوض در مورد او می‌نویسد:

بوهل از کینه‌توزترین مستشرقان در اظهار دشمنی نسبت به اسلام و رسول خدا ﷺ و کتابش است. او آشکارا بیان می‌کند که منابع تاریخ اسلامی که درباره زندگی و سیره پیامبر ﷺ وجود دارد، به هیچ وجه موثق نیستند و نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد.^۲

بوهل فرستادن نامه از سوی رسول خدا ﷺ به ملوک مجاور را برای دعوت آن‌ها به اسلام رد می‌کند و در این باره می‌نویسد:

بعید است محمد ﷺ که مردی سیاست مدار و حکیمی واقعی بود به مخیله خود، اندیشه داخل کردن هرقل یا کسری به اسلام را داده باشد، آن هم زمانی که هنوز مکه را فتح نکرده بود؛ زیرا او توان لازم برای وادار کردن آن‌ها به پذیرش اسلام را نداشت.^۳

او به کلی این موضوع را انکار می‌کند که رسول خدا ﷺ در اندیشه جهانی بودن دعوت اسلامی بوده است.

۵. نقد و بررسی انگاره‌های وات و پاسخ به شبهات ده‌گانه او

۱. وات با نگاه موشکافانه و دقیق خود، متوجه وجود تناقض در تاریخ اعزام پیک‌ها در روایت ابن سعد (د. ۵۲۳۰.ق.) شده است. این امر نشان‌گر دقت علمی بالای او است، اما

۱. رک: ابراهیم عوض، «أضاليل و إباطيل»، دائرة المعارف الإسلامية الإستشراقية، ص ۲۱ به بعد.

۲. همان، ۲۱.

۳. همان، ۵۳.

وجود ایراداتی این چنینی، دلیل عدم اعتماد کلی به منابع تاریخ اسلامی نیست. مورخان مسلمان در این که فرستادن نامه‌ها در سال ششم یا در سال هفتم و یا بین صلح حدیبیه و وفات پیامبر ﷺ بوده، اختلاف زیادی دارند.

مسعودی^۱ (د. ۳۴۶.ق.) و ابوالفداء (د. ۷۳۲.ق.)^۲ هم‌چون ابن سعد، تاریخ این واقعه را سال هفتم بیان می‌کنند، اما طبری^۳ (د. ۳۱۰.ق.) و ابن اثیر^۴ (د. ۶۳۰.ق.) به نقل از واقدی (د. ۲۰۷.ق.) می‌نویسند که واقعه در سال ششم هجری بوده است. ابن هشام^۵ (د. ۲۱۳.ق.) بدون تعیین سال خاصی، آن را بیان می‌کند و ابن حجر (د. ۸۵۲.ق.)^۶ در بیان شرح حال دحیه بن خلیفه (د. ۴۸.ق.) آن را در اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم می‌داند. بنابراین، اشکال وات در خصوص روایت ابن سعد وارد است، اما نمی‌توان آن را به کل منابع تاریخ اسلام تعمیم داد.

۲. در خصوص اشکال دوم؛ یعنی تحریف در تغییر مذهب جبله، مطلب مهمی که باید به آن توجه شود، این است که وات به عنوان یک کشیش نمی‌تواند خود را از قید و بند تعصبات دینی برهاند. این موضوع در آثار او به خوبی مشهود است. وات منکر اسلام آوردن قبایل عربی - مسیحی است و معتقد است که حضرت محمد ﷺ با عدم وادار کردن آن‌ها به پذیرش اسلام و پرداخت جزیه، مشکل را حل کرد.^۷ بر اساس این دیدگاه،

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲. ابوالفداء، تاریخ مختصر، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۲ ص ۸۰؛ همو، اسد الغابة، ج ۲ ص ۶، رقم ۱۵۰۷.

۵. ابن هشام، سیره، ج ۳، ص ۵۶۲.

۶. ابن حجر، الاصابه، ج ۲، ص ۳۲۲.

7. Watt, Muhammad at Medina, p:106.

او منکر اسلام آوردن جبله مسیحی است، اما حقیقت ماجرا که در منابع تاریخی آمده است، چنین است که پیامبر ﷺ نامه‌ای هم برای جبله بن ایهم، پادشاه غسان نوشت و او را به اسلام دعوت فرمود که مسلمان شد و نامه‌ای همراه هدیه برای پیامبر فرستاد و اسلام خود را به اطلاع رساند.^۱

او تا زمان عمر بن خطاب (۲۳-۵۱۳ ق.م) مسلمان بود. در آن هنگام در بازار دمشق، حادثه‌ای رخ داد. جبله مردی از افراد مزینه را بدون آن که متوجه باشد، لگد کرد. آن مرد برجست و به چهره جبله، سیلی زد. او را گرفتند و پیش ابوعبیده بن جراح بردند و گفتند: این به صورت جبله سیلی زده است. گفت: جبله هم، او را سیلی بزند. گفتند: نباید او را کشت؟ گفت: نه. گفتند: نباید دست او را برید؟ گفت: نه. فرمان خداوند تبارک و تعالی برای همه یکسان است. جبله گفت: عقیده شما این است که چهره و آبروی من، همتای چهره بزی است که از صحرا آمده است. این دین بدی است و مسیحی شد و پیش قوم خود کوچید و بعد هم به سرزمین‌های روم رفت.^۲ در نتیجه عقیده وات درباره غلط بودن تغییر مذهب جبله با منابع تاریخی، همخوانی ندارد.

۳. در خصوص اشکال سوم و تحریف موضوع و هدف اعزام سفیران، وات به ماجرای خواستگاری ام‌حبیبه (د. ۵۴۴ ق.م) به وسیله پیک اعزامی به درگاه نجاشی استناد می‌کند. در پاسخ باید گفت که نخست این که در تمام نامه‌های دعوت، شهادت به وحدانیت خداوند و تأکید بر رسالت رسول اکرم ﷺ و فراخواندن مخاطبان و دعوت به اسلام، جزء ارکان و اهداف نامه‌ها محسوب می‌شود و بیشترین موضوعی که در نامه‌ها تکرار گردیده است و جزء مشترکات تمام نامه‌ها گردیده، همین موارد بیان شده است.

۱. ابن هشام، همان، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲. ابن سعد، طبقات، ج ۱، ص ۲۵۱.

دوم این که ابن سعد، متن نامه‌های ارسالی به کسری، قیصر، مقوقس و نجاشی را ثبت نکرده است. سوم این که وات بدون توجه به این مشترکات، تنها به نکات حاشیه‌ای، هم‌چون خواستگاری ام‌حبیبه که در راستای ایجاد ابهام و تردید در منابع و ابلاغ جهانی رسالت بوده است، توجه می‌کند. درباره نامه‌های ارسالی به نجاشی می‌توان گفت که مورخان مسلمان، نجاشی را یک فرد واحد نمی‌دانند و تعداد نامه‌ها را بیش از یک مورد بیان می‌کنند. نجاشی در واقع، عنوان پادشاهان حبشه بوده است. همان گونه که کسری، عنوان پادشاهان ایران بوده است. ابن سعد در این باره می‌نویسد:

رسول خدا ﷺ عمرو بن امیه ضمیری را با دو نامه نزد نجاشی روانه نمود. ضمن یکی از نامه‌ها نجاشی را به اسلام دعوت کرد و در نامه دوم از نجاشی خواست وسیله حرکت مهاجران حبشه را فراهم کند و ام‌حبیبه را به همسری رسول خدا ﷺ درآورد.^۱

هم‌چنین، بلاذری (د. ۵۲۷۸ ه.ق.) ارسال دو نامه با همان موضوعات و پیک را بیان می‌کند.^۲ در دو متن موجود از نامه دعوت پیامبر ﷺ خطاب به نجاشی^۳ در منابع تاریخی، سخنی از خواستگاری نیست. به نظر می‌رسد، عمرو بن امیه این پیام را به صورت شفاهی به نجاشی رسانده است. طبری این موضوع را بعد از ارسال نامه دعوت و امری جداگانه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

پیامبر خدا کس پیش نجاشی فرستاد که ام‌حبیبه، دختر ابوسفیان را زن او کند.^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳. متن اول، رک: بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۰۸؛ متن دوم، رک: طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۶۵۲.

۴. طبری، همان، ج ۳، ص ۲۳۰.

بنابراین، معلوم نیست که وات به استناد کدام منبع تاریخی این موضوع جانبی را به عنوان هدف نامه دعوت پیامبر ﷺ قرار داده است؟

۴. در مورد اشکال چهارم؛ یعنی سیاسی بودن احتمالی موضوع نامه‌ها و درخواست برای توافقات سیاسی، وات نمی‌تواند منبعی برای اظهارت خود بیان کند. با مطالعه بسیاری از کتاب‌های تاریخ اسلام نیز، مطلبی در این باره یافت نشد. به نظر می‌رسد، او تنها بر اساس تصورات ذهنی خود به این نتیجه رسیده است. موضوعاتی هم‌چون بازداشتن مکیان از دریافت کمک خارجی، خنثی کردن تأثیر گزارش‌های مغرضانه و شرح و گزارش رویدادهای عربستان در هیچ سند تاریخی به عنوان موضوع نامه‌ها بیان نشده است.

هم‌چنین، نامه پیامبر ﷺ به ضغاطر^۱ که بر اساس روایت ابن‌سعد از اسقف‌های مسیحی بود در میان نامه‌های دعوت ملوک که مورد نقد و بررسی وات قرار گرفته است، نمی‌گنجد؛ زیرا سفیر اعزامی به نزد ضغاطر، دحیه بن خلیفه کلبی بود که سوی قیصر رفت و اعزام او نزد ضغاطر، مطلب دیگری است که با موضوع این پژوهش مرتبط نیست.

۵. اشکال پنجم؛ یعنی ابهام در شناسایی بعضی از حاکمان و ملوک مورد خطاب نامه‌ها، هم‌چون مقوقس و حارث بن ابی‌شمر مردود است؛ زیرا ابن‌هشام، ابن‌سعد، یعقوبی، طبری، ابن‌جوزی (د. ۵۷۱ ه.ق.) و بسیاری دیگر از مورخان مسلمان بدون اختلاف، مقوقس را عامل روم در اسکندریه مصر و بزرگ قبطیان و حارث را از قبیله غسان و عامل قیصر در غوطه دمشق در زمان ارسال نامه‌ها می‌دانند و هیچ‌گونه اختلافی در منابع درباره این افراد یافت نگردید.^۲ شاید دلیل ابهام در شناسایی این افراد به وسیله وات، تکیه او بر منابع مستشرقان پیش از خود و کتاب‌های غربیان باشد.

۱. ابن‌سعد، طبقات، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. ابن‌هشام، سیره، ج ۳، ص ۵۶۳؛ ابن‌سعد، همان، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۴۴۴؛

طبری، همان، ج ۳، ص ۲۲۴، ۲۲۹؛ ابن‌جوزی، المنتظم، ج ۳، ص ۲۸۹.

۶. اشکال ششم؛ یعنی تناقض در سخنان پیک‌های اعزامی و تردید در محتوای این نامه‌ها، بارها به وسیله وات بیان شده است.^۱ این اصرار و تأکید بر یک شبهه با این نیت است که آن را در ذهن مخاطب تثبیت کند. وات سخنان پیک‌ها را مملو از تناقضات می‌داند، اما مشخص نیست که منظور او شرح این رخداد یا متن نامه‌ها است که به وسیله پیک‌ها بیان شده است؟ اگر شرح رویداد، منظور است با توجه به این که قدیمی‌ترین سیره نگاری‌های مکتوب موجود از قرن دوم هجری به دست ما رسیده است و بسیاری حوادث به وسیله صحابه، تابعین و فرزندان آن‌ها به صورت شفاهی نقل شده است، وجود الفاظ متفاوت و تناقض‌های جزئی، امری طبیعی به نظر می‌رسد.

با این حال، اگر منظور وی تناقض در نقل محتوای نامه‌ها است، باید اذعان کرد برخلاف تصورات وات، تناقضی در محتوای این نامه‌ها مشاهده نمی‌شود. بخش مهمی از نامه‌ها به موضوع دعوت مردم جهان (فرمانروایان غیرعرب، حاکمان محلی و قبایل عرب) و اهل کتاب به اسلام اختصاص دارد. با نگاه به محتوای نامه‌هایی که پیامبر ﷺ به قیصر روم، کسری، مقوقس و فرمانروایان دیگر نوشته است، فراخواندن آشکار آنان به توحید و اسلام به چشم می‌خورد و عبارت *أَسْلِمُ تَسْلِمُ* از ارکان ثابت نامه‌های دعوت بوده است و در آن‌ها به صراحت خاطر نشان شده است که «چنانچه به اسلام نگروی، گناه مردم کشورت به گردن تو خواهد بود.»^۲

در بسیاری از منابع مهم تاریخ اسلام می‌توان اخبار مربوط به ارسال نامه‌ها و متن کامل آن‌ها را یافت. از جمله در صحیح بخاری (د. ۵۲۵۶.ق.۰) و در کتاب *المغازی* آن بانی تحت عنوان کتاب *النبی الی کسری و قیصر* وجود دارد.^۳ در صحیح مسلم (د. ۵۲۶۱.ق.۰)

۱. رک: وات، محمد در مدینه، ص ۴۱، ۴۲، ۱۰۹، ۱۱۳، ۲۳۶ و پیوست D.

۲. حمیدالله، *مجموعه الوثائق السياسية*، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

۳. بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۵۴-۵۵.

هم نامه‌های پیامبر ﷺ به کسری، قیصر، نجاشی و دیگر پادشاهان آن زمان در کتاب *الجهاد و السیر*، باب کتب النبی الی ملوک الکفار آمده است^۱ و در *معجم‌الاوسط طبرانی* (د. ۵۳۶۰.ق.) هم در باب الألف و در فصل من اسمه احمد، اعزام سه سفیر از سوی پیامبر ﷺ به نزد حاکم اسکندریه، مقوقس، قیصر و کسری بیان شده است.

هم‌چنین در *تاریخ یعقوبی*^۲، *تاریخ طبری*^۳، *تاریخ الکامل ابن اثیر*^۴ شرح و متن نامه‌های رسول خدا ﷺ آمده است که تناقضات محتوایی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین بر اساس تحقیقات حمیدالله، درستی تاریخی نامه‌ها تا حد زیادی اثبات شده است و هم‌اکنون، برخی از نسخه‌های آن زینت بخش موزه‌های جهان، هم‌چون طوپقاپی‌سرای استانبول است.

۷. اشکال هفتم؛ یعنی برخوردار نبودن حضرت محمد ﷺ از اعتبار و اقتدار سیاسی و

نظامی لازم در هنگام ارسال نامه‌ها به دلایل ذیل قابل پذیرش نیست:

نخست: اسلام بعد از حدیبیه، هیچ‌گاه در حالت ضعف نبود و حدیبیه آغاز گسترش اسلام از مدینه است. ندای آسمانی نیز از فتح مبین خبر داد. استحکام جایگاه پیامبر ﷺ در نامه به هوذ بن علی (د. ۵۸.ق.) حاکم یمامه مشخص می‌گردد که پیامبر ﷺ فرمود:

بدان که دین من تا آن‌جا که نهایت سیر شتران و اسبان است، فراگیرد.^۵

این پیام نمی‌تواند از موضعی ضعیف صادر شده باشد.

۱. مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۹۱.

۲. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۶۴-۶۷.

۳. طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۵۰.

۵. قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۶، ص ۳۷۹.

دوم: سه قدرت بزرگ روم، ایران و حبشه قدرت‌های خارج از دسترس در آن دوره نبودند؛ زیرا جنگ‌هایی میان روم و ایران در گرفته بود و این نزاع‌ها تا حد زیادی، آنان را تضعیف کرده بود. واقدی^۱ می‌گوید که هرقل در تدارک افزایش نیروهای جنگی برای مقابله با اعراب بود تا این که در تبوک به اوج خود رسید، اما با مشاهده قدرت اعراب از مواجهه با آن‌ها منصرف شد. به عقیده مؤنیر^۲ (د. ۱۹۰۵ م.) دولت روم شرقی دچار شکاف مذهبی میان ملکانیان، یعقوبیان و نسطوریان شده بود.^۳

سوم: دعوت به اسلام به شیوه مکاتبه و اعزام نمایندگان از شئون پیامبران بوده است و در شمار نظامی‌گری یا سیاسی کاری نبوده است تا با مقیاس‌های دنیوی سنجیده شود. قبل از آن حضرت موسی علیه السلام در اوج خدا انگاری فرعون، او را به توحید فراخواند. حضرت عیسی علیه السلام نیز با یهود و روم در این زمینه مواجه شد. این در حالی است که هیچ یک از محققان غربی از این مطلب، اظهار ناباوری نکرده‌اند.^۴

آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با پشتوانه الهی که داشت، ضعیف‌تر از کسری و قیصر بود؟ مگر خسرو پرویز (د. ۶۲۸ م.) پیش از این در جنگ ذوقار از اعراب شکست نخورده بود؟^۵ مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول حیات خود، سپاهی برای نبرد با روم در مته گسیل نکرد؟ آیا دعوت به اسلام خطیرتر از نبرد با آن‌ها بوده است؟ حیات نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرشار از نمونه‌های شجاعت و صلابت در دعوت است که به‌عنوان نمونه ایشان در طائف، تک‌وتنها و با

۱. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۱۲۴.

2. William Muir.

۳. مؤنیر، حیات محمد، ص ۳۵۴.

۴. عزالدین ابراهیم، «پژوهشی در نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»؛ ترجمه حسین علینقیان، آینه پژوهش، ش ۱۴۷، ص ۳۱.

۵. طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۷۵۹.

قاطعیت، دعوت خود را اعلام نمود.^۱ در قرآن یکی از ویژگی‌های پیامبر ﷺ شجاعت معرفی شده است^۲ و یکی از شرایط رسیدن به مقام نبوت، عدم ترس از غیر خدا و شهامت در دعوت مردم به سوی خدا^۳ دانسته شده است.

رفتار سیاسی رسول خدا ﷺ برخلاف آنچه امروز متداول است، توأم با صداقت، صراحت، قاطعیت و شجاعت بود. در حالی که وات ایشان را فردی نشان می‌دهد که بر اساس معیارهای امروزی و با توجه به هم‌شان نبودن و با در نظر گرفتن قدرت ظاهری پادشاهان، هرگز نمی‌توانست جسارت دعوت آنان به اسلام را به اندیشه خود راه دهد. آیت الله جعفر سبحانی در این باره می‌نویسد:

راستی ما هر موقع در تاریخ می‌خوانیم که یک جوان یونانی (اسکندر مقدونی) می‌خواست فرمانروای جهان شود و یا می‌شنویم که ناپلئون در سر می‌پروراند که امپراتوری جهانی تشکیل دهد، هرگز اعجاب به ما دست نمی‌داد، ولی هر موقع، دسته‌ای از خاورشناسان می‌شنوند که رهبر بزرگ مسلمانان به فرمان خداوند، دو امپراتور بزرگ جهانی را که قوم وی با ملت هر دو امپراتور روابط بازرگانی داشتند به آیین توحید دعوت کرده است با لجاجت و سخنان بی‌اساس آن را یک امر محال و ممتنع قلمداد می‌کنند.^۴

نبی اکرم ﷺ چگونه از اعتبار و اقتدار لازم برخوردار نبوده است در حالی که کمتر از ده سال بعد، مسلمانان پنجه در پنجه دو ابر قدرت آن روزگار؛ یعنی ایران و روم افکندند و

۱. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۳۶.

۲. فتح: ۲۹.

۳. احزاب: ۳۹.

۴. سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۶۹۳.

به فاصله کوتاهی از رحلت پیامبر ﷺ و با سرعتی خیره کننده بر کلیه کشورهای که فرستادگان آن حضرت به آنجا اعزام شده بودند، استیلا یافتند و آیین اسلام در پهنه جهان، گسترش یافت.

دلیل وات برای برخوردار نبودن پیامبر ﷺ از اقتدار لازم با استناد به اسلام نیاوردن رفاعه نادرست است؛ زیرا رفاعه بن زید پس از صلح حدیبیه مسلمان شد و نامه پیامبر ﷺ برای دعوت قبیله جذام؛ یعنی قوم رفاعه بود و پیامبر ﷺ دو ماه به آنان برای پذیرش اسلام امان داد.^۱ مردم قبیله جذام تا سال ششم هجرت مسلمان نشدند، اما در این سال، طایفه بنی ضیب که رفاعه بن زید از آنان بود از طریق رفاعه مسلمان شدند.^۲ آن دسته از مردم جذام که از اتباع یا متحد دولت بیزانس بودند در سال هشتم و سیزدهم در جنگ با مسلمانان شرکت کردند.^۳ هم‌چنین در غزوات موته و ذات السلاسل در سال هشتم و غزوه تبوک در سال نهم، گروهی از جنگجویان جذام در مقابل مسلمانان قرار گرفتند. چون مسلمانان شام را فتح کردند، بخش اعظم بنی جذام به اسلام گرویدند و از آن پس، نقش مهمی در حکومت امویان در شام بر عهده گرفتند.^۴

۸. اشکال بعدی؛ یعنی حکیمانه نبودن و مضر بودن این کار در آن دوره، ایرادی منطقی نیست. به نظر وات، پیامبر ﷺ در سال ۶۲۸ م. / ۵ ه. ق. آن قدر قدرت مند نبود که بتواند طلب اسلام آوردن از خارج از حوزه نفوذ مسلمانان داشته باشد و اعلام جهانی رسالت به وسیله پیامبر ﷺ در زمانی که هنوز تسلط کامل بر جزیره العرب نداشت،

۱. ابن اسحاق، سیره، ج ۱، ص ۶۶۵.

۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۵۷-۵۵۸.

۳. طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۳۷، ۳۸۹.

۴. واقدی، همان، ج ۲، ص ۷۶۰؛ طبری، همان، ج ۳، ص ۳۲؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲،

ناممکن است. این امر نشان دهنده تفاوت بنیادین تفکر مادی با تفکر الهی است؛ زیرا در دیدگاه مادی گرایانه وات، اعتقادی به وحیانی و الهی بودن دعوت رسول خدا ﷺ وجود ندارد، اما باور الهی و اطمینان آن حضرت به وعده پیروزی که خداوند پس از صلح حدیبیه به او داده بود^۱ از انگیزه‌هایی بود که آن حضرت را به انجام این کار وا داشت.

دقت در محتوای این نامه‌ها می‌رساند که روش پیامبر ﷺ بر اساس حکمت، آگاهی بخشی و مسالمت‌آمیز بوده است و از تهدید، خشونت، رعب و وحشت پرهیز گردیده است و این مسئله در جای خویش، یکی از روش‌های گسترش حکیمانه اسلام در زمان پیامبر ﷺ به حساب می‌آید.

۹. اشکال نهم وات نامعقول بودن پاسخ و اعتنای امپراتوران ایران، روم و نجاشی به این نامه‌ها است. شاید این اشکال با در نظر گرفتن شرایط دیپلماسی امروزی به ذهن وات خطور کرده باشد. پیام کتبی، رسمی‌تر از پیام شفاهی است و سندیت بیشتری دارد. بنابراین، چون پادشاهان از پیامبر شناختی نداشتند به پیام شفاهی آن حضرت اعتنایی نمی‌کردند و آن را نمی‌پذیرفتند. در نتیجه این نیز از اقدامات حکیمانه رسول خدا ﷺ بود که برای دعوت ملوک از شیوه پیام مؤثر؛ یعنی ارسال نامه بهره برد. هم‌چنین، پیام کتبی هنگامی که مختوم به خاتم صاحب نامه باشد، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، حضرت محمد ﷺ به وسیله نامه و با مهر^۲ مخصوص پیام دعوتشان را برای پادشاهان و سران قبایل ارسال کردند و به این صورت، موجودیت اسلام و نبوت خود را اعلام فرمودند.

شاید مهر نهادن نامه‌های دعوت نشان بزرگداشت گیرندگان آن نامه‌ها^۳ و جلب توجه مخاطبان بوده است. هر یک از پادشاهان مزبور در برابر دعوت پیامبر ﷺ عکس‌العمل

۱. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (فتح: ۲۸).

۲. مسعودی، التنبيه والاشراف، ص ۲۵۹.

۳. زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۶۳۶.

خاصی نشان داده‌اند که دلیل اعتنای آنان به محتوای نامه‌ها است. برخی هم‌چون خسرو پرویز، دعوت آن حضرت را به کلی رد نمودند و اقدام آن حضرت را نوعی توهین علیه خود تلقی کردند و از آن حضرت خشمگین شدند.^۱ برخی دیگر، هم‌چون قیصر و مقوقس، برخوردی احترام‌آمیز داشتند و تا حدودی، حقانیت دعوت را درک کردند، ولی به دلیل ترس از رعایای خود و یا جاه‌طلبی خویش از اظهار تمایل نسبت به اسلام خودداری ورزیدند.^۲

۱۰. اصلی‌ترین ایراد و در واقع، هدف وات از تحلیل این رخداد اثبات و نشان دادن تحریف و مغرضانه بودن تاریخ‌نگاری منابع اسلامی و نبودن اندیشه جهانی دعوت اسلامی، نزد رسول خدا ﷺ است. جالب است، وات که بیشتر مواقع با شک و تردید اظهار نظر می‌کند در این مورد با قاطعیت اظهار کرده است این که محمد ﷺ اسلام را به عنوان یک دین جهانی می‌پنداشت و امپراطوران روم، ایران و سلاطین کم اهمیت‌تر دیگری را به پذیرش آن دعوت کرد، به طور قطع نادرست است. با ملاحظه آرای وات، تناقض در سخنان او مشهود می‌شود. او از سویی اسلام را مستعد جهانی شدن می‌داند و از سوی دیگر، وجود اندیشه جهانی بودن را در نزد پیامبر ﷺ قاطعانه رد می‌کند و معتقد است که حضرت محمد ﷺ چنین اندیشه و ادعایی نداشته است.

ابتدا در پاسخ به شبهه دست‌کاری عمدی منابع تاریخی به وسیله مورخان مسلمان به منظور مهم نشان دادن پیامبر ﷺ و القای جهانی بودن دعوت ایشان، باید گفت که این مطلب از اتهامات همیشگی مستشرقان است تا از اعتبار تاریخ اسلام بکاهند. این اتهام با جملاتی ملایم از سوی وات بیان شده است.

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۴، ص ۱۲۹.

۲. احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۰۴.

بدون تردید، اخبار و روایاتی که منابع تاریخی از صدر اسلام و زندگانی حضرت محمد ﷺ ثبت کرده‌اند با یک گسست حدود صد ساله بین حوادث صدر اسلام با دوران نگارش و تدوین وقایع سیره، نقل شده است و با توجه به این که نقلیات شفاهی و آن هم در فاصله یک قرن، کم و بیش آمیخته با اشتباهات، اغراض فردی و اهداف فرقه‌ای و عمدی هستند، چندان نمی‌توانند مورد اعتماد باشند، اما آیا از این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که تمام منابع اسلامی دست‌کاری شده‌اند و جعلی و بی‌اعتبار هستند؟

منابع موجود اسلامی دارای اشکالات و ایرادهایی هستند و با برخی تحریف‌ها، افزونی‌ها و کاستی‌های عمدی و غیرعمدی آغشته شده‌اند، اما به دلایل عقلی و نقلی در مجموع، قابل دفاع و قابل استناد هستند و هم‌چنان، مهم‌ترین سند قابل قبول برای درک و شناخت زندگی و شخصیت پیامبر ﷺ و رخداد‌های قرون نخست هجری به شمار می‌روند. میزان وثاقت نسبی این منابع، مانند دیگر منابع تاریخ جهان است. آیا قائلان به نظریه تحریف و بی‌اعتباری منابع اسلامی به شمولیت و عمومیت این قاعده معتقد و ملتزم هستند؟ اگر این قاعده را در موارد مشابه صادق بدانیم، باید مجموعه تواریخ موجود بشری را بی‌اعتبار و فاقد وثاقت بدانیم؛ زیرا تمام تواریخ بر اساس داده‌های شفاهی و با فاصله دور و نزدیک با زمان وقوع حادثه، تدوین و مکتوب شده‌اند و به طور طبیعی تاریخ هر قوم، ملت و حادثه‌ای را بعدها می‌نویسند.

مستندات و منابع اطلاعاتی تاریخ‌نگاران و راویان حدیث از نیمه‌های سده دوم هجری، بیشتر نقلیات شفاهی است، اما آنان تا حدود زیادی به این تحریفات توجه داشتند. از این رو، مورخان بصیر و مسئول می‌کوشیدند با استفاده از قواعدی چون جرح و تعدیل به نقد و پالایش احادیث و اخبار که منبع اصلی معارفی چون تاریخ و فقه بودند، دست زنند و از اشتباهات احتمالی و یا تحریفات و جعلیات بکاهند. در این زمینه، علمی چون علم رجال، درایه، تفسیر و اصول فقه پدید آمد که همه آن‌ها تدابیری ممکن و معقول برای فهم روش‌مند و نقد علمی و عقلی میراث نقلی پیشینیان بود.

علاوه بر این به گواهی شواهد و قرائن، کاتبان سده‌های دوم و سوم به برخی از مکتوبات پیشین دسترسی داشتند و به طور مستقیم از آن‌ها استفاده می‌کردند. در عصر پیش از اسلام از معلقات^۱ و بعد از نامه‌های پیامبر ﷺ و بعدها از نامه‌های خلفای راشدین و بسیاری از بزرگان و رجال سیاسی به یکدیگر و یا به پیروان خویش یاد شده است. هم‌چنین از تألیفات برخی افراد، مانند عروة بن زبیر و سلیم بن قیس در تاریخ در اواخر سده اول، سخن در میان است. بنابراین، قضاوت وات در مورد منابع تاریخ اسلام قابل پذیرش نیست؛ زیرا صحت محتوای نامه‌های آن حضرت به پادشاهان مورد اجماع و اتفاق منابع تاریخ اسلام است و اخبار این نامه‌ها و متن آن‌ها به تواتر در قدیمی‌ترین منابع اسلامی و منابع تاریخی سده‌های بعدی با اختلافات بسیار جزئی آمده است و جای تردیدی در این رخداد باقی نمی‌ماند.

هم‌چنین در شبهه بعدی وات، پیامبر ﷺ را مؤسس برنامه‌ای دینی - سیاسی برای جامعه عرب می‌داند و با تأکید بر هویت عربی این برنامه، وجود اندیشه اعلام جهانی دعوت، نزد رسول خدا ﷺ را انکار می‌نماید و آن را دعوتی اقلیمی و منطقه‌ای که فقط مخصوص اعراب بوده است، معرفی می‌کند.

با مرور آثار و دیدگاه‌های وات ملاحظه می‌شود که او در آغاز پیامبر ﷺ را ناآگاه از ابعاد دعوت و نقش خود و فردی که براساس مقتضیات زمان، مکان و مطالبات هر مرحله پیش رفته است، نشان می‌دهد. او در کتاب محمد ﷺ در مکه اظهار می‌کند که رسول - خدا ﷺ در ابتدای امر، خود را فرستاده‌ای به سوی قوم خویش؛ یعنی قریش می‌پنداشته است و تا قبل از وفات ابوطالب، اشاره‌ای به گسترش دعوت به همه اعراب نشده است.

۱. معلقات اشعاری هستند که به وسیله هفت تن از شاعران جاهلی و به روایتی ده نفر سروده شده‌اند. این اشعار را به سبب عظمت فنی و ارزش ادبی به دیوار کعبه آویزان کردند (ر.ک: معلقات سبع، عبدالمحمد آیتی).

سپس روش دیگری در پیش گرفت و به تدریج برای خودش، هدفی وسیع‌تر در نظر گرفت. رسول خدا ﷺ قبل از هجرت، افراد قبایل بدوی را به ایمان به خداوند دعوت می‌کرد و بعد از بازگشت از طائف، ایده مرموزی را برای وحدت همه اعراب در ورای دعوت قبایل بدوی به اسلام برگزید.^۱

وات مدعی است با انجام هجرت به جز مشورت با اهالی مدینه، فکر ایجاد امت بر اساس دین به ذهن او راه یافت و تلاش نمود تا مردم را راضی کند که او را به‌عنوان رئیس حکومت بپذیرند.^۲ او معتقد است که در این مرحله، حتی صحبت از تمام اعراب، افراط آمیز به نظر می‌آید. چه رسد به جهانی بودن دعوت؛ زیرا اسلام در این زمان فقط به تعداد کمی از قبایل مجاور مکه و مدینه رسیده بود.^۳

برخلاف عقیده وات، شواهد قطعی نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ رسالت خود را جهانی می‌دانست و پیام یکتاپرستی اسلام، همه جوامع بشری را فارغ از رنگ و نژاد شامل می‌شود. رسول خدا ﷺ به‌عنوان خاتم‌النبین، رسالتی وسیع‌تر از قوم عرب و اقلیم حجاز بر عهده‌اش بود. این مسئله امری نبود که رسول خدا ﷺ در دوره مدینه، آن هم پس از صلح حدیبیه مطرح کرده باشد. بلکه شواهدی در دست است که اندیشه انتشار اسلام به خارج از عربستان از عهد مکی شروع شده بود. آن حضرت از همان آغاز نبوت، وعده دست‌یابی مسلمانان به گنج‌های قیصر و کسری را داد^۴ و اعلام کرد که به زودی رسالتش در همه جا گسترده خواهد شد. در همان مکه مشرکان، مسلمانان پابره‌نه را به تمسخر، وارثان و جانشینان قیصر و کسری می‌خواندند.^۵

1. Watt, Muhammad at Mecca, p138-141.

2. Watt, Muhammad, Prophet and Statesman, p 195.

3. Watt, Muhammad at Medina, p 40.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۸۷۲.

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲.

بیشتر آیاتی که درباره جهانی بودن دعوت پیامبر ﷺ بیان شده است در دوره مکی نازل شده‌اند و آیات قرآن گواه هستند که اندیشه جهانی بودن دعوت از سوی خداوند به رسول خدا را وحی شده است و آن حضرت ملزم به ابلاغ جهانی رسالتش بود. اصطلاح رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ از سوی خداوند متعال در آیه وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^۱ اشاره به جهانی بودن اسلام دارد و دلیلی است که پیامبر را یقین داشت که رسالتش خواهد توانست از حدود امت عربی عبور کند و بر او لازم است که این دین جدید را به ملت‌های مختلف ابلاغ کند.^۲

از دیگر آیات قرآن درباره رسالت جهانی رسول خدا ﷺ می‌توان به مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا^۳ و قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ^۴ و قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا^۵ و تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^۶ و لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ^۷ اشاره نمود.

هجرت به حبشه نیز، علاوه بر دوری از فشار مکیان به نوعی تبلیغ دین و بیان‌گر تمایل به جهانی شدن اسلام است.^۸ هم‌چنین، احادیث و تعابیر گوناگونی از رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل می‌شود که بیان‌گر وجود تفکر جهانی نزد آن حضرت است.

۱. انبیاء: ۱۰۷.

۲. العقیقی، المستشرقون، ج ۱، ص ۴۶۶

۳. سبأ: ۲۸.

۴. آل عمران: ۶۴.

۵. اعراف: ۱۵۸.

۶. فرقان: ۱.

۷. توبه: ۳۳.

۸. حیدردوست، ترجمه و تحقیق فصل‌های ۷ و ۸ کتاب محمد در مدینه، ص ۱۰۵.

برای جلوگیری از به درازا کشیدن کلام و رعایت اختصار به سه حدیث از پیامبر اعظم ﷺ در این زمینه بسنده می‌شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

أَرْسَلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَ بِي خَتَمِ النَّبِيِّينَ؛ مَنْ بِي سَوَى هَمَّةٍ بَشَرِيَّةٍ فَرَسْتَاهُ
شدم و به وسیله من، رسالت انبیا خاتمه یافت.^۱

أَرْسَلْتُ إِلَى الْاَبْيَضِ وَالْاَسْوَدِ وَالْاَحْمَرِ؛ مَنْ بِي سَوَى هَمَّةٍ نَزَاهَا وَ مَلِيَّتِهَا، اَعْم
از سفید، سیاه و سرخ فرستاده شده‌ام.^۲

إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.^۳

با مطالبی که در این آیات و احادیث منعکس است، مشخص می‌گردد، اندیشه جهانی دعوت اسلام از ابتدای بعثت نزد رسول اکرم ﷺ وجود داشته است، اما وات این موارد را در نظر نگرفته است و شاید بیشتر به آرای مستشرقان غربی توجه کرده است. اندیشه و رسالت آن حضرت از ابتدا جهانی بود، ولی اجرا و ابلاغ آن تدریجی صورت می‌گرفت. چنان که دین اسلام از همان ابتدا دینی کامل بود، اما احکام آن در طول بیست و سه سال و به تدریج نازل شد. هم‌چنین، همان‌گونه که انبیایی چون حضرت موسی عليه السلام و حضرت عیسی عليه السلام که برای هدایت بنی اسرائیل برانگیخته شدند، مختص به آن قوم نیستند و برای همه مردم مبعوث شدند، رسول خدا ﷺ هم برای همه برانگیخته شده است، نه تنها برای قوم عرب و شبه جزیره عربستان.^۴ بنابراین، اندیشه جهانی بودن

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۴.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۴. عاملی، الصحيح من سيرة النبي، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

رسالت نزد حضرت ختمی مرتبت، چیزی نیست که مسلمانان برای مشروعیت بخشیدن به کشورگشایی خویش، آن را ابداع نموده باشند.

به طور کلی، رسول خدا ﷺ با ارسال نامه به ملوک مقتدر آن عصر، جهانی اندیشیدن و اقدام تبلیغی خود در سطح جهانی را ثابت کرده است و هیچ‌گونه، شک و تردیدی در عالم‌گیر بودن رسالت باقی نمی‌گذارد. وات اگر درستی این نامه‌ها را بپذیرد، مجبور است که جهانی بودن اسلام را نیز بپذیرد. بنابراین، درستی آن‌ها را نمی‌پذیرد.

۶. نتیجه

با تحلیل و نقد اشکالات و شبهات وات و بر اساس مستندات تاریخی و دلایل عقلی و منطقی، نتایج زیر از این پژوهش حاصل گردید:

۱. نقطه قوت پژوهش وات در موضوع نامه‌های دعوت رسول خدا ﷺ به پادشاهان آن عصر، پرداختن دقیق به جزئیات حوادث با دیدی شکاکانه و منتقدانه و آشکار کردن نقاط مبهم و دیدگاه‌های مستشرقان پیش از خود است که فرصت آشنایی بیشتر برای محققانی که امکان دسترسی مستقیم به آثار آن‌ها را ندارند، فراهم می‌سازد.

۲. دیدگاه مونتگومری وات با مورخان مسلمان متفاوت است. او برخلاف مسلمانان که به الهی بودن رسالت پیامبر ﷺ اعتقاد دارند و وحی الهی را در امور و حوادث صدر اسلام مؤثر می‌دانند، براساس معیارهای مادی و امروزی به بررسی این رویداد می‌پردازد و ارسال نامه‌های دعوت را در آن دوره که پیامبر ﷺ هنوز اقتدار لازم را نداشت، حکیمانه نمی‌داند.

۳. این کشیش اسلام شناس با وجود این که سعی می‌کند در تحقیقات عالمانه خود، جانب بی‌طرفی و انصاف را رعایت نماید، اما در موضوعاتی چون اسلام آوردن جبله و رفاعه مسیحی، نمی‌تواند جانب‌داری خود از مسیحیت را بپوشاند و برخلاف مستندات تاریخی، اسلام آوردن آن‌ها را انکار می‌کند.

۴. وات با وجود تسلط به زبان عربی به جای مراجعه مستقیم به منابع تاریخ اسلام، بیشتر به آثار و دیدگاه‌های خاورشناسانی چون ولهاوزن، کایتانی و بوهل اعتماد می‌کند. در نتیجه، تحت تأثیر سیطره فکری آن‌ها نمی‌تواند به درستی به تجزیه و تحلیل سیره رسول خدا ﷺ و حوادث تاریخ اسلام بپردازد.

۵. وات صحت محتوای نامه‌های آن حضرت به پادشاهان را که مورد اجماع و اتفاق منابع تاریخ اسلام است، نمی‌پذیرد و بدون ارائه مستندات تاریخی و فقط بر اساس حدس و گمان، سعی در القای اندیشه‌های ذهنی خود و ایجاد تردید در اعتبار منابع اسلامی دارد. رد کردن درستی نامه‌ها، ضمن زیر سؤال بردن منابع اسلامی به صورت غیرمستقیم، دین اسلام را نزد مخاطبان، ناقص و مجعول جلوه می‌دهد و از جایگاه رفیع رسول خدا ﷺ می‌کاهد.

۶. به طور کلی، مهم‌ترین هدف وات در انکار محتوای این نامه‌ها و قائل نبودن به وجود اندیشه جهانی رسالت نزد پیامبر اعظم ﷺ اقلیمی و عربی نشان دادن دعوت رسول خدا ﷺ است. وات اگر محتوای این نامه‌ها را بپذیرد، مجبور است که جهانی بودن اسلام را نیز بپذیرد. بنابراین، درستی این نامه‌ها را رد می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، محمد بن منیع، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۳. _____، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰هـ.ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه حسین روحانی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
۵. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، قاهره: تراث الاسلام، ۱۹۶۴م.
۶. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، تهران: نشر یس، ۱۳۶۳.
۷. آرنولد، توماس، الدعوة الی الاسلام، ترجمه حسن ابراهیم حسن و عبدالمجید عابدین، قاهره: مکتبة النهضة المصریة، ۱۹۷۰م.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴هـ.ق.
۹. بدوی عبدالرحمن، موسوعة المستشرقین، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۳م.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.ق.
۱۱. حمیدالله، محمد، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ترجمه سیدمحمد حسینی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
۱۲. _____، مجموعة الوثائق السیاسیة للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، بیروت: دار النفائس، ۱۴۰۷هـ.ق.
۱۳. _____، وثائق: نامه‌های حضرت ختمی مرتبت ﷺ و خلفای راشدین، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران: حکمت، ۱۳۹۴.
۱۴. حیدردوست، طیبه، ترجمه و تحقیق فصل‌های ۷ و ۸ کتاب محمد در مدینه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۱.

۱۶. دولاندن، شارل، تاریخ جهانی پیش از تاریخ تا قرن شانزدهم، ترجمه احمد بهممنش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۱۷. دهقانی‌پیشه، الهه، ترجمه و تحقیق فصل‌های ۴ و ۵ کتاب محمد در مدینه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۳.
۱۸. زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۴۷م.
۱۹. سبجانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا علیه السلام، ۱۳۷۰.
۲۰. ———، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۱. صابری همدانی، احمد، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و زمامداران (پیرامون نامه‌های پیامبر اسلام به زمامداران)، قم: مؤسسه انتشاراتی شاکر، ۱۳۸۰.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدي عبدالمجید السلفی، موصل: مکتبه العلوم و الحکم، ۱۹۸۳م.
۲۳. طبری، محمد جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
۲۴. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی، بیروت: دار السیره، ۱۴۱۵ ه.ق.
۲۵. عزالدین ابراهیم، «پژوهشی در نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، ترجمه حسین علینقیان، آینه پژوهش، ۱۳۹۳، شماره ۱۴۷.
۲۶. العقیقی، النجیب، المستشرقون، قاهره: دار المعارف، ۱۹۶۴م.
۲۷. عوض، ابراهیم، دایرة المعارف الإسلامیه الإستشراقیه أضالیل و إباطیل، قاهره: مکتبه البلد الأمين، ۱۹۹۸م.
۲۸. قلفشندی، احمد، صیح الاعشی فی صناعة الانشاء، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۵، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۰. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ ه.ق.

۳۱. موسوی مقدم، سیدمحمد، رهیافت ویلیام مُنتگمری وات در حدیث و سیره پُروهی، رساله دوره دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ۱۳۹۱.

۳۲. وات، ویلیام مونتگمری، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی‌زاده، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۴.

۳۳. واقدی، محمد، المعازی به کوشش مارسدن جونز، بیروت: ۱۴۰۴.ق. / ۱۹۸۴.م.

۳۴. ولهاوزن، یولیوس، تاریخ الدولة العربیة، ترجمه محمد عبدالهادی أبوریده، قاهره: لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۶۸.م.

۳۵. یعقوبی، احمد بن أبی‌واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

36. Holloway, Richard, "William Montgomery Watt A Christian scholar in search of Islamic understanding ", The Guardian, London, 2006, 14th November, p:20-25
37. W. Montgomery Watt, Muhammad at Mecca, Oxford: Clarendon Press, 1953.
38. W. Montgomery Watt, Muhammad at Medina, Oxford: Clarendon Press, 1956.
39. W. Montgomery Watt, Muhammad, Prophet and Statesman, Oxford: Oxford University Press, 1961.

